

مطالعات مجموعه سینمایی جشنواره فجر ۱۷۰ص

قیمت : ۲۰۰۰۰۰ تومان

نمای دور ۹

پیش پرده ۱۰

پرده نخست: ۱۲

به کجا می رویم؟

اهداف و جانمایی طرح

شناخت کلی استان تهران ۱۳

شرایط اقلیمی شهر تهران ۱۴

موقعیت منطقه ۲ در شهر تهران ۱۵

ویژگی های طبیعی و زیست محیطی محدوده ۱۶

مطالعه حمل و نقل و ترافیک محدوده ۱۷

نحوه شکل گیری شهرک غرب ۱۸

سایت مجموعه سینمایی جشنواره فجر در آینه تصویر ۲۳

پرده دوم: ۲۷

آینه های روبرو

سینما در چه فضایی زاده شد؟ ۲۸

تقارن تاریخی ۲۸

خدمات متقابل سینما و معماری

معماری در سینما ۳۱

سینما در معماری ۴۴

فضا؛ فصل مشترک بین سینما و معماری ۴۶

قرابتی تنگاتنگ مابین دو هنر ۴۷

پرده سوم: ۵۳

فرهنگ و تمدن ۵۴

هنر ۵۹

نظاره گری و تماشا ۵۹

فراغت ۶۰

فراغت در دوران معاصر ۶۴

اغراض و مقاصد فراغت و نقش فراغت در حیات جامعه ۶۵

پرده چهارم: ۶۶

اتاق تاریک ۶۷

نگاره ها، بنیان بیان تصویری ۶۸

تئاتر سایه ها ۶۹

پرده خوانی ۷۰

پیشینه سینما در ایران ۷۱

جشنواره های سینمایی، حضور و جوایز جهانی سینمای ایران ۷۳

مروری بر جشنواره فیلم فجر ۷۵

پرده پنجم: ۹۱

نگاهی به نمونه های موجود

نمونه های داخلی

نمونه اول: پردیس سینمایی ملت ۹۲

نمونه دوم: مجموعه سینمایی آزادی ۹۸

نمونه های خارجی

نمونه اول: مجموعه سینمایی بوسان ۱۰۱

نمونه دوم: مرکز سینمایی UFA 106

نمونه سوم: مجموعه سینمایی جان لوئیز ۱۱۰

نمونه چهارم: تئاتر آگورا ۱۱۶

پرده ششم: ۱۲۴

خط قرمز باریک

ضوابط و معیارها

تعاریف پایه ۱۲۵

فضاهای تشکیل دهنده سینما: ۱۲۶

۱-۱ سالن نمایش

۱-۱-۱ فواصل دید

۱-۱-۲ زوایای دید

۱-۱-۳ زوایای تابش و فاصله پروژکتور نسبت به پرده ۱۲۸

۱-۱-۴ صندلی تماشاگران ۱۲۸

۱-۱-۵ راهروهای سالن نمایش ۱۳۳

۱-۱-۶ ورودی ها و خروجی های سالن نمایش ۱۳۷

۱-۱-۷ پرده نمایش فیلم

۱-۱-۸ سایر ملاحظات در سالن نمایش

۱-۱-۹ حجم و سرانه سالن نمایش

۱-۲ سالن انتظار ۱۴۵

۱-۲-۱ مشخصات عمومی

۱-۲-۲ سایر مشخصات

۱-۳ اتاق پروژکتور و ملحقات آن ۱۴۸

۱-۳-۱ مشخصات عمومی

۱-۳-۲ سایر مشخصات

۱-۴ ورودی سینما ۱۵۱

۱-۴-۱ مشخصات عمومی

- ۱-۴-۲ سایر مشخصات
- ۱-۵ گیشه بلیط فروشی ۱۵۲
- ۱-۶-۱ سرویس های بهداشتی ۱۵۲
- ۱-۶-۱ مشخصات عمومی
- ۱-۶-۲ سایر مشخصات
- ۱-۷ فضاهای اداری
- ۱-۸ انبار و اتاق تاسیسات ۱۵۴
- ۱-۹ فضاهای ارتباطی ۱۵۵
- ۱-۹-۱ مشخصات عمومی
- ۱-۹-۲ سایر مشخصات
- ۱-۱۰ پارکینگهای سینما ۱۶۰
- ۱-۱۰-۱ مشخصات عمومی
- ۱-۱۰-۲ سایر مشخصات
- ۱-۱۱ بوفه و رستوران ۱۶۱
- توصیه های طراحی: ۱۶۲
- ۱-۲ همجواری ها
- ۱-۱-۲ همجواری مطلوب
- ۲-۱-۲ همجواری مخاطره آمیز یا نامطلوب
- ۳-۱-۲ همجواری با مجموعه های فرهنگی و هنری
- ۴-۱-۲ احداث سینما در یک مجتمع
- ۲-۲ معابر اطراف سینما
- ۳-۲ نمای سینما
- ۴-۲ نکات ایمنی

پرده هفتم: ۱۶۸

انگاره های طراحی

محاسبه سطوح سرانه ۱۶۹

روند شکل گیری طرح ۱۷۲

مجموعه سینمایی جشنواره فجر در آینه طرح

فهرست منابع و مآخذ ۱۷۸

نمای دور

شاید پیچیده ترین بخش در باب پروژه پایان نامه تحصیلات معماری که به زعم پدید آورندگان، آخرین عکس یادگاری با مجموعه ایست که بستر تاخت اندیشه شان در دایره علاقه ها بوده است، انتخاب موضوع باشد. موضوعی فراخور علاقه هایی که موجبات حضورشان در کرانه ای به وسعت زندگی و تجربه های آنها فراهم آمده است و پدید آورندگان این مجموعه ترجیح دادند در انتخاب موضوع سهم علائق خویش را عادلانه در بستر پروژه ای که شکل می گیرد، رعایت کنند. و این گونه شد که سینما و ارتباط آن با معماری انگاره بنیادین پروژه پایان نامه را تشکیل داد.

... و در حقیقت پایان نامه دانشجویی محملی شد تا نه تنها عکسی به یادگار با دانشکده ای که در آن روزگار گذرانیدیم، که عکسی با ترکیب دو گرایش عمیق زندگی مان یعنی معماری و سینما بیندازیم و حاصل بحث هایمان به انتخاب عنوان مجموعه سینمایی جشنواره فجر انجامید که فضایی است کاربردی برای آنهایی که سینما، معماری یا در حداقل اندازه های آرمانی استفاده بهینه از اوقات فراغت خویش را دوست می دارند.

پیش پوده

حرفهای اولیه درباره پایان نامه باعث شد تا مجموعه ای از سوالات مانده در ذهنم را درباره سینما و معماری مرور کنم، سوالاتی که برجا مانده از جانی است که تکاپویی را هرچند ناقص در دایره آغاز کرده است. ...بعد سر ریسمان فکرم دور می شود و می رسد به نخستین زنان و مردانی که جمعشان نشان بشریت میلیون ها سال پیش را پدیدار کرد. مردمانی که خیس باران های پاییزان و بهاران، خشکیده سرمای زمستانهای زمهریر و مدهوش گرمای آفتاب هزاران سایه بی خاموشی تابستان، اندک سرپناهی از سنگ خارای کوهستان یا برگهای در آغوش درختان نزدیک و دوری را به سالهای عمر خویش می کاوید و فارغ از سبکها و سیاق ها غارها را آرامگاه جان و روان خویش می کرد.

و آیا اگر سرپناه حاصل نمی شد فراغتی برای مردمان عاشق یا زنان شیفته پدید می آمد که ابزاری را برای دلدادگی و سرگشتگی ها و حدیث جان بجویند که البته یافتند و شعر و موسیقی و آواز، نقاشی و تندیس سازی و... از دامان همان حکایات هزاران بار تکرار شده بیرون آمد و شاید بیشتر از همه دلدادگی ها، شیفتگی ثبت حضور و یا ارتباط بود که بر دیواره های آلتامیرا، نقوش تا به امروز مانده دست انسان آغازین را به یادگار گذاشت.

و سرپناه و فن ساختنش (که در ابتدا در آمیخته بودند، نه چون امروز که فن ساختمان سازی از روح و کالبد بنا جداست) همواره لعبی از عملکرد را در سیمای خویش داشتو ساختمان یا به عبارت دیگر فضا پدید نمی آمد که دلبری کند یا پس از گذشت سده ها به اثری باستانی بدل شود. پدید می آمد که مردی، زنی یا کودکی به سرمای زمستان نمیرد. (و فکر میکنم سازنده آن سرپناه نخستین هم به چیزی فراتر از مرگ چند قدمی اش می اندیشید.)

اما نیاز تنها در دایره سر پناه رخ نمایی نمی کرد بلکه بشر آرام آرام خواه از روی اندیشه فراتر رفته اش یا شاید باز هم به دلیل فراغت ناشی از اسکانش تولید را آغاز کرد. و فکر و خلاقیت هم به بر آوردن نیاز افزوده شد. کاسه های سفالی جای دستهایی را گرفت که برای رفع تشنگی به برکه فرومی رفت و با وارد شدن آهن و مفرغ به معرکه هزار ساخته دیگر نیز به فهرست بر آورندگان نیاز افزوده شد.

و اما سوال اینجاست که آیا معماری هم مسیری را که کاسه سفالی از ظرفی که نیاز آب خوردن را برطرف می کرد تا ظرفی که به نقوش مزین می شد به همان شتاب پیمود، یا شاید سیرتبدیل در مورد معماری حرکتی آرام داشت و در فاصله زمان این حرکت، رشد هنرهای دیگر هم نشانهای خود را بر تارک معماری گذاشتند...

آیا خلوص حجم های اهرام ثلاثه یا معابد مایاها، امداد هنرمندانی گمنام است که این حجم ها را در تندیسهای کوچکتر سالها قبل مشق کرده بودند. یا شاید اهرام هنوز پاسخ به نیاز انسان بود تا دیگر در دغدغه ی سرما و گرما و باران و تگرگ نبود بلکه نیازی به بزرگی جاودانگی را بر شانه می کشید.

و این گونه معماری در گذر از سده ها سرد و گرم زمان را چشید و هنگامی که صد سال قبل سینمادر سالن نمایش برادران لومیر زاده شد پیرمردی را می ماند که لبخند بر لب نوزاد به دنیا آمده را می نگریست و می اندیشید که بستری از فراغت که او فراهم کرده است چگونه آینه ای از اندیشه بشر را پدید آورده که حرکت و نور را در درون خود حبس کرده است.

کجاست آن آدم تنهای غارنشین که ببیند فرزندانش چگونه آن قطار خیالی را که او از ایستگاه آلتامیرا به راه انداخت کشاندند و بر پرده نقره ای سینما نشانندند.

امروزه نه آن غارنشین ها که به نیاز اسکان پاسخ دادند مانده اند و نه آنانی که ثبت حرکت را بر نوارهای سلولوئید به یادگار گذاشتند.

انسان امروز مانده با پیرمرد هزاران ساله معماری و کودک صد ساله سینما و هزاران دیگر. آنچه باقی است کوله باری از نیازهای نو بشر است و تقلایی بی پایان برای یافتن پاسخهای نو و براستی پاسخ چیست؟...